

سوالات درس اول دین و زندگی (۳) پایه دوازدهم رشته های تجربی و ریاضی

۱. شکوفا کننده استعدادها و نویدبخش امید به آینده ای زیباتر چیست؟ و چگونه ظاهر می گردد؟ اندیشه-به صورت اعمال
۲. از نظر پیامبر اکرم (ص) برترین عبادت چیست؟ اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.
۳. بر چه اساسی ما با تمام وجود خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم؟ فطرت خویش
۴. شناخت اولیه ما در مورد جهانی که در آن زندگی می کنیم چیست؟ آفریننده ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات و مخلوقات مدد می رساند.
۵. *قرآن کریم برای معرفت عمیق تر به خداوند چه راهی را معرفی نموده است؟ تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده و خالق است.
۶. * انسان و موجودات جهان پدیده هایی هستند که وجودشان از خودشان نبوده است. (ص/غ)
۷. هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، چگونه موجود می شود؟ برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند. که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد.
۸. در آفرینش، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. (ص/غ)
۹. * تنها خداوند است که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن است. (ص/غ)
۱۰. * نیازمندی جهان به خدا در پیدایش را با دو مقدمه و یک نتیجه استدلال نمایید. مقدمه اول: ما و این جهان پدیده هستیم یعنی وجودمان از خودمان نیست. مقدمه دوم: پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد. نتیجه: ما و همه پدیده های جهان، در پدیدآمدن و هست شدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد که خدا نامیده می شود.
۱۱. * نیازمندی جهان به خدا در پیدایش را با استدلال ثابت کنید. ما و این جهان پدیده هستیم، یعنی وجودمان از خودمان نیست. موجوداتی که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد. بلکه وجودش از خودش باشد. ما و پدیده های جهان در پدیدآمدن نیازمند آفریننده ای هستیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد؛ یعنی خداوند متعال.
۱۲. * از چه مقدماتی می توان به این نتیجه رسید که «جهان در هستی خود نیازمند به خداست»؟ مقدمات اول و دوم تفکر ص ۸
۱۳. * جهان هستی در چه مراحل نیازمند خداست؟ در همه مراحل هستی (پیدایش و بقا)
۱۴. * همچنان که یک مدرسه پس از ساخته شدن بی نیاز از بناست موجودات نیز پس از پیدایش بی نیاز از خدایند. (ص/غ)
۱۵. جهان همواره و در هر آن به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ گاه کم و یا قطع نمی شود.
۱۶. رابطه خداوند با جهان، از چه نظر شبیه رابطه مولد برق با جریان برق است؟ همین که مولد متوقف شود جریان برق هم قطع می گردد و لامپ های متصل به آن نیز خاموش می شوند.
۱۷. * رابطه خداوند با جهان را تا حدی می توان، به چه چیزی تشبیه نمود؟ مولد برق با جریان برق
۱۸. * با توجه به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟ نیاز به پیدایش و بقا
۱۹. سرچشمه بندگی چیست؟ آگاهی
۲۰. * چه کسانی نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند بی توجه اند؟ انسان های ناآگاه

۲۱. *انسان های آگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند چه احساسی دارند؟ انسان های آگاه دائماً سایه لطف رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند. هرچه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند.
۲۲. *چه رابطه ای بین خودشناسی، عبودیت و بندگی و درک بیشتر فقر و نیاز انسان به خدا وجود دارد؟ هرچه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند.
۲۳. افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی
۲۴. *ثمره درک نیازمندی به خدای بی نیاز چیست؟ افزایش عبودیت و بندگی
۲۵. قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را چگونه تشبیه فرموده است؟ خداوند نور آسمانها و زمین است.
۲۶. حدیث «اللهم لا تُکَلِّنی اِلٰی نفسی طَرَفه عین اُبدًا» به چه موضوعی اشاره دارد؟ انسان های آگاه دائماً سایه لطف رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند. پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند.
۲۷. *چرا قرآن خداوند را نور هستی معرفی کرده است؟ تمام موجودات «وجود» خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند.
۲۸. *«توجه به آیه «الله نور السماوات و الارض» خداوند نور هستی است یعنی چه؟ یعنی تمام موجودات «وجود» خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند. درواقع، هر موجودی در حدّ خودش تجلّی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.
۲۹. هر موجودی در حدّ خودش تجلّی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است.
۳۰. آنان که به دقت و تأمل در جهان هستی می نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می کنند و علم و قدرت او را می بینند. (ص/غ)
۳۱. چه معرفتی معرفت عمیق و والاست؟ اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است.
۳۲. اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند بیشتر برای چه کسانی قابل دسترسی است؟ برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب دارند.
۳۳. چرا جوانان و نوجوانان در معرفت خداوند موفق تر هستند؟ پاکی و صفای قلب
۳۴. ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چه موضوعاتی را دارد؟ اموری که محدود هستند.
۳۵. چرا ذهن ما گنجایش درک موضوعات نامحدود را ندارد؟ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است.
۳۶. لازمه شناخت هر چیزی چیست؟ احاطه و دسترسی به آن است.
۳۷. *خداوند حقیقتی نامحدود است و ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه یابد.
۳۸. *چرا نمی توان به ذات خدا پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود است، در نتیجه ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید.
۳۹. مایه توانیم به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات و اسماء او را بشناسیم، اما نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم. (ص/غ)

۴۰. چرا نمی توانیم ذات و چیستی خداوند را دریابیم؟ ما به دلیل محدود بودن ذهن خود نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم. خداوند حقیقتی نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات و اسماء او را می توانیم بشناسیم، اما نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم.

۴۱. * چرا پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «لا تفکروا فی ذات الله» در ذات و چیستی خداوند فکر نکنید، در نعمت های خداوند تفکر کنید؟ ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی نماید. بنابراین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات و اسماء او را می توانیم بشناسیم، اما نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم.

۴۲. * بر اساس «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» چرا انسان از تفکر در ذات الهی نهی شده است؟ به دلیل محدود بودن ذهن انسان (نامحدود بودن ذات الهی)

۴۳. * چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ» «در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید»؟ چون نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم.

جواب فعالیت های درس اول (هستی بخش) دین و زندگی پایه دوازدهم رشته های ریاضی و تجربی

تفکر در متن ص ۸

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

مقدمه اول: ما و این جهان، وجودمان از خودمان نیست و هستی ما از خودمان سرچشمه نمی گیرد.

مقدمه دوم: موجوداتی که وجودشان از خودشان نیست (پدیده ها)، در موجود شدن خود نیازمند به وجودی هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد.

نتیجه: ما و همه پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود نیازمند آفریننده ای هستیم که او خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد.

تدبر در قرآن صفحه ی ۱۰

در آیات زیر، تدبر کنید و به سوالات پاسخ دهید.

* يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

* يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - آنچه در آسمان و زمین هستند، پیوسته از او درخواست می کند.

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ - او همواره دست اندرکار امری است.

۱- چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟

چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خدایند و اگر خداوند لحظه ای آنان را به حال خود واگذارد همه نیست و نابود می شوند. همچون منبع نوری که اگر یک لحظه نور افشانی نکند پرتوهای نور از بین خواهند رفت.

تعبیر یسأله که فعل مضارع است می رساند که این سوال و تقاضا دائمی است و موجودات همواره با زبان حال محتاج اویند.

۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟

انسان هر چه دارد از خدا دارد و تمام داشته هایش از خداست. بالاترین داشته انسان همان نعمت وجود است که خدا به او عطا کرده

است. از این رو انسان در هستی خود به خدا نیازمند است و این نیاز همواره و در هر آن است و هیچ گاه قطع یا کم نمی شود. سایر

داشته های انسان که همه برآمده از نعمت وجود است نیز همه نیازمند و وابسته به لطف خداست و اگر خدا هر لحظه اراده کند می تواند آن را از انسان بگیرد. بنابر این انسان سر تا پا نیازمند خداوند است.

ادامه جواب فعالیت های درس اول (هستی بخش) دین و زندگی پایه دوازدهم رشته های ریاضی و تجربی

۳- چرا خداوند هر لحظه دست اند کار امری است؟

نیازهای دائمی موجودات لطف و فیض دائمی را طلب می کند، او هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای آفریده ها است. چنین نیست که خداوند، عالم را آفریده و آن را به حال خود رها کرده باشد بلکه همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند. بنابر این او هر لحظه دست اندر کار امری است.

تفکر در حدیث ص ۱۲

امام علی (ع) می فرماید: مَا رَأَيْتَ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتَ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبَعْدَهُ وَمَعَهُ

مقصود امیرالمؤمنین از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟

یعنی خداوند بی پایان تمام جهان را پر کرده (هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن) و همه جا حضور دارد و این حضور چنان نزدیک است که جدا انگاری مخلوقات از خدا امری ناممکن است. یعنی هم در دل تک تک ذرات عالم حضور دارد (هو معکم اینما کنتم) و هم خارج از آنها. از این رو انسان اگر اهل تفکر و تقوا باشد به لطف الهی به مقامی می رسد که در همه چیز خدا را می بیند. یعنی تمام اشیا، مظهر و آیه و نشان دهنده خدا هستند و آیه ماورای خود را نشان می دهد نه خود را.

ادامه جواب فعالیت های درس اول (هستی بخش) دین و زندگی پایه دوازدهم رشته های ریاضی و تجربی

مقصود امیرالمؤمنین از عبارت قبله و بعده و معه:

تعبیر «رأيت الله قبله» اشاره به این نکته دارد که آن حضرت وقتی به اشیای پیرامون خود می نگردند در می یابند که همه این اشیا پدیده هایی هستند که قبلاً نبوده اند پس حتماً علتی آن ها را به وجود آورده است، پس پی به خالق آن می برد. تعبیر «معه» اشاره به این دارد که آن حضرت وقتی می نگردند که این شیء سر تا سر نیاز و فقیر در حال حاضر وجود دارد پس در می یابد که بقای آن مرهون خداست.

تعبیر «بعده» اشاره به این دارد که ایشان وقتی می بینند که این شیء بعد از مدتی از بین رفت می دانند که تنها خداست که خالق موت و حیات است پس در فانی شیء نیز باز خدا را مشاهده می کنند.

اندیشه و تحقیق ص ۱۴

با توجه به شباهت های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت ساز و ساعت، تفاوت های این دو رابطه را بنویسید.

۱- وجود جهان از خداست اما وجود ساعت از ساعت ساز نیست و او فقط اجزای ساعت را تنظیم می کند.

۲- نظم و پیچیدگی جهان بسیار فراتر از پیچیدگی یک ساعت است و نظم ساعت با نظم جهان قابل مقایسه نیست.

۳- دوام و بقای ساعت، وابسته به ساعت ساز نیست اما بقای جهان وابسته به خداوند است.